

وضعیت ژئوپلیتیکی خلیج فارس در منطقه

مهدی نیکبخت

کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی

با همکاری:

دانشگاه پیام نور و مدیریت آموزش و پرورش گناباد

مقدمه

دغدغه نظریه پردازان و دانشمندان امروز در تمام گستره کره زمین دو موضوع عمده می باشد که عبارتند از:

- ۱- چگونه می توان تهدیدات زیست محیطی را کنترل و تعدیل کرد؟
 - ۲- چگونه می توان پیشرفت همه جانبه و توسعه پایدار را با حفظ ظرفیت های زیستی ادامه داد؟
- با ظهور انقلاب صنعتی و شکل گیری جوامع مدرن کارشناسان و استراتژیست های توسعه معتقد شدند که با کمک علم و تکنولوژی ملت ها قادر خواهند بود که بر تمام کاستی ها و محدودیت های طبیعی و غیر طبیعی (انسانی) فائق آمده و محیط را به تدریج رام و به طور کامل در سیطره و تسلط انسان در آورند. اما دیری نپایید که کارشناسان متوجه شدند زیاده طلبی بیش از حد و پیشرفت لجام گسیخته، به سیستم های متعادل کره زمین آسیب وارد می کند و چالش ها و

بحران های متعددی را پدید می آورد که به صورت زنجیروار بر روی یکدیگر تأثیر می گذارد و در نهایت به رکود و عدم توسعه پایدار می انجامد. یا به نوعی بازگشت به گذشته و حتی بدتر از آن را به دنبال دارد. در هر حال تمام جوامع سستی و در حال گذر به خاطر زرق و برق فریبنده و مزیت های اقتصادی در تلاش مداوم برای کسب و بهره گیری از اقتصاد صنعتی و نوین می باشند. لذا کشورهای در حال توسعه که تجربه های تلخ زیست محیطی جوامع بورژوازی و صنعتی را فرا روی خود دارند.

چنانچه بخواهند از اتلاف منابع و هزینه های هنگفت در آینده جلوگیری کنند و عدم تعادل در اکوسیستم های طبیعی و دیگر سیستم های اجتماعی، اقتصادی خود جلوگیری کنند، باید پیشرفت مهار شده یا همان توسعه پایدار را هدف قرار دهند. به عبارتی چنانچه عدم توجه به پتانسیل های طبیعی و ظرفیت های زیستی به خصوص در مناطق شکننده ای چون حوضه خلیج فارس صورت گیرد. نظام و سیستم های محیطی دچار آن چنان اختلال و معطلاتی خواهد شد که ترمیم آن اگر ناممکن نباشد بسیار پرهزینه تر از فواید و منافع آن خواهد بود. این واقعیت را مدت هاست که دول و ملل صنعتی تجربه کرده و با ورود به مرحله اقتصاد فراصنعتی (پست مدرن) سعی دارند، صنایع تمیز و پاک یا همان صنایع استراتژیک ارتباطی و هوا فضا را برای خود حفظ و صنایع آلوده ساز و مخرب محیط زیست را به کشورهای مشتاق و ناآگاه انتقال دهند و فقط در سود آن سهیم شوند که استعمار از نوع دیگر خواهد بود. لذا لازم است که فرهنگ سازی شود تا دول و ملل حوضه خلیج فارس به توسعه پایدار متناسب با ظرفیت های زیست محیطی توجه داشته باشند.

طرح مسئله

عمده ترین سوالی که در این مقاله مطرح است شناخت واقعیت ژئوپلیتیکی حوضه خلیج فارس به طور خاص و منطقه پیرامون آن به طور عام و تأثیر و تأثر موقع جغرافیایی و خصیصه های انسانی منطقه بر جنبه های کمی و کیفی توسعه ملی و منطقه ای چقدر است؟ در این راستا این مقاله سعی دارد تا با بررسی و شناخت ویژگی های خلیج فارس از منظر ژئوپلیتیک،



ژئواکونومیک، ژئوکالچر، ژئوهیدروپولیتیک و دیگر خصیصه های طبیعی و غیرطبیعی، وضعیت حوضه خلیج فارس را سنجش و بر آن اساس نقش یا عملکرد خلیج را در زمینه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، تاریخی، سیاسی و زیست محیطی شناسایی و سپس به کمک این ویژگی ها و زمینه ها و همچنین ظرفیت ها و محدودیت های موجود را در سطوح ناحیه ای، ملی و فراملی، راهکار مناسب برای خروج از شرایط موجود و حرکت به سوی پیشرفت همه جانبه و توسعه پایدار پیشنهاد دهد. سوال مذکور را می توان به سؤالات فرعی تجزیه نمود که از جمله آنها به موارد زیر اشاره می شود. موقعیت ژئوپولیتیکی حوضه خلیج فارس در سطوح مختلف ناحیه ای، ملی و فراملی چیست؟ ظرفیت ها و محدودیت های طبیعی و غیر طبیعی در سطح منطقه و حوضه خلیج فارس چقدر است؟ وضعیت یا وزن ژئوپولیتیکی حوضه خلیج فارس چقدر است؟ راهکارهای تقویت ژئوپولیتیکی خلیج فارس چیست؟ راهبرد خروج از شرایط موجود و حرکت به سوی توسعه پایدار چیست؟ چگونه می توان از منابع و امکانات خارج از منطقه و جهان در راستای اهداف توسعه ناحیه و ملی استفاده نمود؟ به طور قطع پاسخ دقیق و جامع به تمام این سؤالات و سؤالات مشابه نیاز به حوصله و تلاش متخصص هایی دارد که در حوصله این مقاله نمی گنجد. لیکن حل مشکلات و معضلات توسعه به ویژه توسعه پایدار نیاز به یک پروسه زمانی طولانی و حساب شده دارد که حاصل اجماع و همراهی خرد جمعی کارشناسان فن و مدیران برنامه ریز و آزمایش سرزمین در سطوح ملی و کشورهای پیرامونی منافع مشترک در این حوضه می باشند.

اهداف مقاله

هدف اصلی این مقاله جستجو و شناخت عوامل موثر در رکود و عدم توسعه خلیج فارس و ارائه راهکارهایی برای خروج از وضعیت موجود، از نظر ژئوپولیتیک و تعیین استراتژی برای توسعه پایدار در آینده است. از اهداف فرعی نیز می توان به این موارد اشاره نمود. ظرفیت ها و پتانسیل های موجود در منطقه خلیج فارس شناسایی شود. چگونه می توان از این ظرفیت ها استفاده نمود؟ بر اساس مزیت ها و محدودیت ها، استراتژی توسعه آتی برای راهنمایی مدیران برنامه ریزی،

تدوین و مدون گردد. محورها و اولویت‌های پیشرفت اقتصادی و اجتماعی را مشخص و در راستای تحقق آن عوامل و نیروهای واگرا را کاهش و برعکس عوامل و نیروهای همگرا را تقویت کنیم. بنابراین به نظر می‌رسد که ایران به هر حال باید با «شورای همکاری خلیج فارس»^۱ به نوعی تعامل و همکاری دست یابد.

شناسایی نقش‌های خلیج فارس، ظرفیت‌ها و مزیت‌های طبیعی و انسانی آن می‌تواند مبنایی برای ایجاد تفاهم و همکاری بیشتر بین دول و ملل منطقه قرار گیرد و بر آن اساس وظایف و محورهای توسعه هر یک از نواحی و کشورها اولویت‌بندی شده و الگو یا سرمشق هر یک از آنها روشن گردد. نهادهای لازم ملی و فرا ملی برای معرفی و تبلیغ مزیت‌ها و ظرفیت‌ها در سطوح ملی و بین‌المللی برای جلب سرمایه‌گذاری لازم صورت گیرد.

فرضیه‌ها

فرضیه اصلی ما در این تحقیق این است که اگر چه زوایایی از وضعیت ژئوپلیتیکی حوضه خلیج فارس برای جهانیان روشن گردیده است و به طور مثال این حوضه را شاهراه انرژی یا مرگ حیاتی قلمداد می‌کنند، لیکن هنوز به طور کامل و همه جانبه وزن ژئوپلیتیکی خلیج فارس روشن و معلوم نگردیده است. بنابراین دول و ملل منطقه در ایجاد هماهنگی و استفاده کامل از ظرفیت‌ها و امکانات موجود در این منطقه موفق نبوده‌اند، لذا به نحو احسن نتوانسته‌اند با جذب سرمایه‌های موجود منطقه و خارج از آن در راستای منافع خود عمل کنند. همین عامل سبب گردیده است تا دول و ملل منطقه نتوانند از قدرت ساختاری و جمعیتی در بسط و گسترش حوزه نفوذ خود بهره‌مند شوند. به این ترتیب حوضه خلیج فارس و منطقه پیرامونی آن به یک توسعه متوازن، مکمل و هماهنگ دست نیافته است. لذا رهایی از کاستی‌های پیشرفته و توسعه کاری سخت و زمان بر به نظر می‌رسد.

فرضیات دیگر ما این است که: از موقع جغرافیایی خلیج فارس به خوبی در راستای پیشرفت و توسعه منطقه کمک نگرفته ایم. از ظرفیت‌ها، منابع و امکانات حوضه در راستای پیشرفت و توسعه به خوبی استفاده نشده است. از اوضاع اقتصادی تواناییهای طبیعی و غیرطبیعی منطقه در



پهنه‌های جهانی و ملی به خوبی استفاده نشده است. قادر به کاهش و تضعیف نیروهای واگرا بین کشورهای منطقه نبوده‌ایم و در افزایش یا تقویت نیروهای همگرا موفقیت قابل توجهی کسب نکرده‌ایم. از قابلیت‌های جمعیتی، سیاسی، فرهنگی و ارتباطی منطقه در راستای پیشرفت کشورهای ساحلی و اهداف توسعه آنها بهره‌برداری نشده است. از فرصت‌ها و امکانات موجود در منطقه به خوبی استفاده نشده است. سیستم اقتصادی مناسب و مکمل در منطقه برای چرخش پول و سرمایه پدید نیامده است.

توجه حاکمان و دول منطقه به همکاری منطقه‌ای و بین‌المللی با یکدیگر جلب نگردیده است. از پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های حوضه خلیج فارس در سطح منطقه و جهان به نحو احسن استفاده نشده است. به نظر می‌رسد که با توجه به هژمونی آمریکا و شکل‌گیری نظامی به ظاهر تک قطبی برای اولین بار در جهان، تعادل قوا در گستره زمین به هم ریخته و منجر به تغییر در موقع نسبی و در نتیجه وزن ژئوپلیتیکی در حوضه خلیج فارس گردیده است که از برخی لحاظ موقع آن تقویت و در زمینه‌های دیگر نیز تضعیف شده است. لذا برای حوضه خلیج فارس همانند بسیاری از نواحی دیگر جهان فرصت‌ها و تهدیدات جدیدی به وجود آمده است که طراحان و برنامه‌ریزان هوشمند با بررسی و مطالعه سیستماتیک قادر به شناسایی و رفع تهدیدات و استفاده از فرصت‌ها خواهند بود.

روش و منابع تحقیق

مهمترین بحث حاضر در مورد جایگاه جغرافیای سیاسی (یا ژئوپلیتیک خلیج فارس) و تأثیر و تأثر آن بر تحولات یا پیشرفت و توسعه منطقه و حتی جهان در آینده است. شناخت گذشته و حال حوضه خلیج فارس در ابعاد طبیعی و انسانی آن کمک مؤثر در استراتژی توسعه ملل و دول منطقه دارد. منظور از ابعاد طبیعی ثروت‌های خدادادی از جمله نفت و موقعیت ارتباطی و منظور از ابعاد انسانی اقوام و ملل یا نیروهای تأثیرگذار در منطقه و فرامنطقه‌ای است.

آنچه مهم است کنش و واکنش متقابل بین عوامل تأثیرگذار بر وزن ژئوپلیتیک یا قلمرو و حدود تأثیرگذاری ناحیه، اقتدار و قدرت ساختاری، اقتصادی، جمعیتی و توسعه حوضه

خلیج فارس است. از اقدام مؤثر در توسعه پایدار می‌تواند با تحقیق و مطالعه دقیق میزان، نقش و چگونگی هر یک از عوامل بازیگر داخلی و خارجی و هنر بکارگیری مؤثر هر یک از این عوامل در راستای برنامه‌ها و اهداف استراتژی توسعه آتی منطقه خواهد بود.

منابع عمده تحقیق را کتاب‌ها و نشریات و همچنین اطلاعات کارشناسان تشکیل می‌دهد که به روش‌های کتابخانه‌ای، اینترنت و میدانی به صورت مصاحبه، مشاهده و پرسشنامه به دست آمده است. پس از ارزیابی داده‌ها و فرضیه‌ها روش‌هایی برای استفاده و بهره‌برداری بهتر از وزن ژئوپلیتیکی حوضه و منطقه خلیج فارس در سطوح ملی و فراملی پیشنهاد می‌گردد.

موقعیت خلیج فارس

چنانچه به مرکزیت خلیج فارس دایره‌ای به شعاع ۱۰۰۰۰ کیلومتر ترسیم نمایم چهار قاره جهان یعنی آسیا، اروپا، آفریقا و استرالیا در شعاع این دایره قرار می‌گیرند و تنها قاره‌ای که در ماورای شعاع این دایره قرار دارد، آمریکا است. بنابراین خلیج فارس را می‌توان همان مکان مرکزی خشکی‌های مذکور به جز آمریکا دانست، که می‌تواند به عنوان هارتلند بیش از ۸۰٪ جمعیت جهان محسوب گردد. مدار رأس السرطان از جنوب و مدار ۳۰ درجه شمالی از شمالی‌ترین بخش خلیج فارس می‌گذرد. بنابراین خلیج فارس روی کمربند خشک و بیابانی نیمکره شمالی که وسیع‌ترین و خشک‌ترین بیابان‌های جهان را فرا گرفته، قرار دارد. نتیجه چنین شرایطی این است که خلیج فارس دریایی است بدون یخبندان و آرام به لحاظ شرایط جوی، به عبارتی طوفان‌های دریایی که خطری برای کشتی‌رانی محسوب می‌گردد تقریباً نادر و کمیاب است. این وضعیت سبب شده است که رفت و آمد کشتی‌ها و دیگر شناورها در تمام طول سال با آرامش و امنیت صورت گیرد و نقش مؤثری در داد و ستد یا تجارت منطقه‌ای و جهانی بازی کند.

به لحاظ ارتباطی خلیج فارس، نزدیک‌ترین و آسان‌ترین مسیر دستیابی دول و ملل آسیای میانه به آب‌های آزاد جهان و تجارت دریایی محسوب می‌گردد و برای روسیه نیز اهمیت ویژه دارد. مسیر خلیج فارس برای ارتباط‌های جهانی و تجارت بین غرب و شرق یا اروپا و قفقاز از یک طرف و شرق و جنوب آسیا و استرالیا از طرف دیگر نزدیک‌ترین راه است و در واقع



کانون‌های عمده جمعیتی و صنعتی جهان را به یکدیگر وصل می‌کند. به همین لحاظ است که صحبت از احیای جاده ابریشم در مسیر خشکی از سواحل خلیج مطرح می‌شود و یکی از پرتراфик‌ترین مسیرهای آبی و هوایی جهان است. به طوری که در حال حاضر فرودگاه دبی یکی از شلوغ‌ترین و بزرگ‌ترین فرودگاه‌های جهان است. این شهر و دیگر شهرهای ساحلی و جزایر خلیج فارس به یکی از بزرگ‌ترین کانون‌های داد و ستد یا تجارت انواع کالاها، به ویژه صنعتی و انرژی در جهان تبدیل شده است. از همین رو است که حوزه خلیج فارس برای بزرگ‌ترین مصرف‌کننده جهان و تولیدکننده کالاهای صنعتی در جهان یعنی ایالت متحده و قاره آمریکا جایگاه و اهمیت خاص دارد.

نزدیکی و اتصال شبه جزیره عربستان به آفریقا واقع در سواحل جنوبی خلیج فارس ارتباط تاریخی، فرهنگی و تجاری این حوزه با آفریقا بوده و هست و در حال حاضر نیز کشورهای ساحلی خلیج فارس تأمین کننده انرژی و سرمایه برای کشورهای این قاره محسوب می‌گردد.

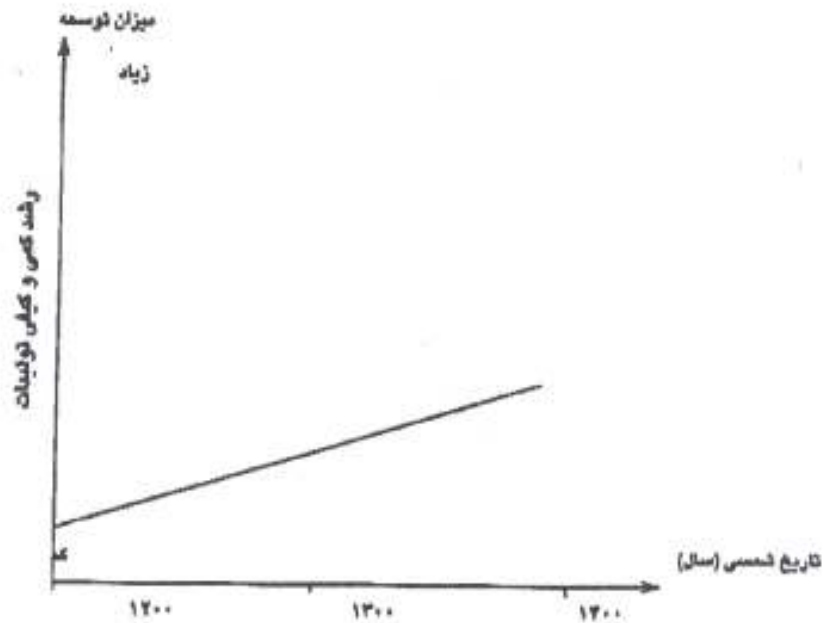
منابع طبیعی خلیج فارس

منابع خلیج فارس را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد که عبارتند از: ۱- منابع زیستی شامل آبزیان و صید مروارید، ۲- منابع و ذخایر زیرزمینی یا فلات قاره.

به علت موقعیت جغرافیایی خلیج فارس که سبب شده است منطقه، فصل سرد و یخبندان نداشته باشد رشد و نمو آبزیان به ویژه گیاهان آب زیست که حلقه اولیه زنجیره غذایی را تشکیل می‌دهد تمام فصلی یا حداقل در بیش از سه چهارم سال ادامه دارد و امکان تنوع زیستی بی نظیری را به وجود آورده، در نتیجه خلیج فارس تبدیل به بزرگ‌ترین مرکز صید و صنایع وابسته به آن در ایران و کشورهای عربی ساحلی در کناره‌های جنوبی آن گردیده است. علاوه بر صید ماهی فراورده‌های دیگر آبزیان، از جمله مواد دارویی، تزئینی و مروارید نیز بهره برداری می‌شود.

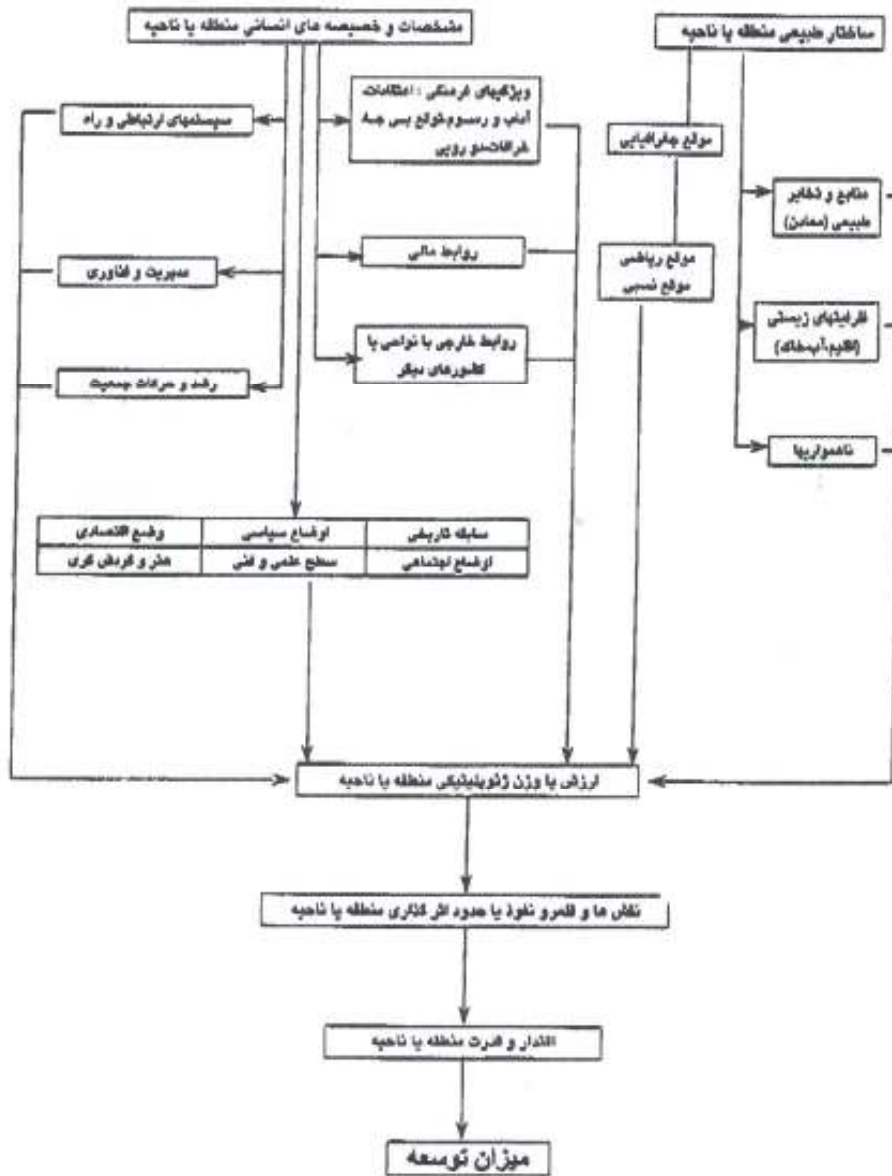
خلیج فارس علاوه بر منابع زیستی، ذخایر و منابع بی نظیری از سوخت‌های فسیلی دارد به طوری که می‌توان دو دریا برای آن متصور شد دریای سطحی که همان آب‌های نیلگون خلیج فارس است و دریای دوم که در فلات قاره واقع است، دریایی از نفت و گاز است. بیش از

نیمی از سوخت های فسیلی کشف شده در جهان در حوضه خلیج فارس واقع است در واقع نیرو یا انرژی لازم برای حرکت چرخ های صنعتی جهان در این منطقه قرار دارد. در نتیجه چنین شرایطی قدرت های بزرگ صنعتی جهان چشم طمع به منطقه دوخته و درصدد نفوذ و تسلط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بر ملل و دول منطقه هستند تا جریان انرژی از منطقه همواره برقرار باشد. تنها با درایت و تلاش نخبگان و حاکمان منطقه می توان ثروت های بالقوه زیرزمینی منطقه را تبدیل به ثروت بالفعل کرده و سبب پیشرفت و رفاه ملل منطقه شد.



نمودار: میزان تقریبی توسعه منطقه

با توجه به نمودار اگر چه منطقه رو به پیشرفت و توسعه است اما شیب رشد آن به دلیل واگرایی های موجود در منطقه کم است.



عوامل تاثیرگذار بر توسعه هر ناحیه یا منطقه

چالش‌ها و راه حل

شواهد حاضر حاکی از آن است که چالش‌های جاری در منطقه از جمله اختلاف قومی - مذهبی و سیاسی در کوتاه مدت قابل حل نیست و نمی‌توان انتظار داشت که ظرف چند سال معضلات و مشکلات فرا روی دول و ملل منطقه حل و فصل گردد و پیشرفت و یا توسعه شتاب بیشتری از آنچه شاهدیم بگیرد، زیرا نفوذ و دخالت قدرت‌های فرا منطقه‌ای، شکل‌گیری گروه‌های تندرو مذهبی مانند القاعده که برای دستیابی به اهدافشان هیچ حد و مرزی را نمی‌شناسند. از جمله عوامل مهم واگرایی منطقه است که مانع می‌شود دول منطقه به یک تفاهم سازنده برای استفاده و بهره‌برداری از پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های طبیعی و انسانی در منطقه دست یابند. اما آنچه مسلم است خلیج فارس به عنوان یک واحد ژئومورفولوژی به طور طبیعی هارتلند انرژی جهان را تشکیل داده و ساکنان عرب و فارس در سواحل جنوبی و شمالی آن نه تنها در زمان حاضر بلکه در کل طول تاریخ به یکدیگر نیاز داشته و دارای روابطی با فراز و نشیب بوده و خواهند بود. لذا ضروری به نظر می‌رسد که برای کاهش تنش‌های جاری پیش رو از طرف نخبگان و کارشناسان منطقه ای یا کشور های ساحلی طرح و برنامه‌ای تدوین شود تا در بلند مدت از واگرایی‌های ملی و منطقه‌ای کاسته و بر همگرایی و تفاهم افزوده گردد. شواهد حاکی از آن است که پس از حمله تروریستی القاعده به برج‌های تجارت جهانی در ایالات متحده و رویکرد جدید سیاست‌های خاورمیانه‌ای آمریکا و غرب، شرایط برای تفاهم و همکاری دول و ملل منطقه و خلیج فارس بهبود یافته و روابط دو جانبه و چند جانبه آنها در مجموع مثبت شده است. بنابراین لازم به نظر می‌رسد که باید کارشناسان و حکام پیرامونی خلیج فارس از فرصت به وجود آمده استفاده کرده در راستای منافع ملی و منطقه ای گام بردارند. نتیجه چنین روندی وزنه ملی و منطقه ای آنها را در صحنه جهانی بالا خواهد برد و دول منطقه را قادر خواهد ساخت تا از ظرفیت‌ها و منابع طبیعی و انسانی خود در جهت پیشرفت و توسعه ملی و منطقه‌ای بهره بیشتری ببرند. با شکل‌گیری «شورای همکاری خلیج فارس» در سواحل عربی و یا جنوبی خلیج زمینه پیوندهای دول منطقه بوجود آمده است و با درایت و تلاش تمامی کشورهای ساحلی امکان حل و فصل چالش‌ها و مشکلات منطقه ای وجود دارد. به شرطی که دولت‌های ساحلی تا حد ممکن از



تندروی و اختلاف پرهیزند و نسبت به یکدیگر اعتماد و گذشت داشته باشند. زیرا با توجه به اینکه خلیج فارس، هارتلند انرژی جهان و یکی از بازارهای بزرگ جهانی برای مصرف کالاهای صنعتی محسوب می‌گردد. دارای نقش محوری در جغرافیای سیاسی و موقعیت بالای ژئوپولیتیکی می‌باشد. بنابراین چنانچه این حوزه به ثبات و امنیت دست یابد نه تنها کشورهای منطقه منتفع می‌گردند بلکه کل جهان از آن سود خواهند برد. با رشد چشمگیر قدرت‌های آسیایی به ویژه هند و چین موقع محوری خلیج فارس بیش از پیش می‌گردد زیرا نیرو یا انرژی مورد نیاز صنعت آنها در این منطقه یافت می‌شود.

از این روست که دول و ملل حوضه خلیج فارس باید «جهانی بیندیشند و ناحیه‌ای عمل کنند». به عبارتی ضمن تفاوت در آرا و نظرات می‌توانند با یک هم زیستی مسالمت‌آمیز منابع طبیعی و انسانی خود را به نحوی به خدمت بگیرند که تمامی دول و ملل منطقه از آن منتفع و احساس نیاز به یکدیگر نمایند تا در معادلات جهانی به راحتی از یکدیگر عبور نکنند. اگر چنین وضعیتی در آینده روی دهد به طور قطع ارزش ژئوپولیتیکی منطقه بیش از پیش شده و جهان برای مسائل و مشکلات منطقه حساب دیگری باز می‌کند. به گونه ای که حق و ارزش واقعی ملل و دول منطقه ادا گردد. در حال حاضر با برنامه ریزی حساب شده قدرت های جهانی سعی در کاهش ارزش واقعی ژئوپولیتیک منطقه دارد تا منافع بیشتری از منطقه را نصیب خود نمایند.

تجزیه و تحلیل

اقتصاد حوزه خلیج فارس به استخراج نفت و گاز در درجه اول و به تجارت و گردشگری در درجه بعدی اتکا دارد. صنعت و کشاورزی نسبت یا درصد کمی از اقتصاد را به خود اختصاص داده است بنابراین توسعه این منطقه موزون و همه جانبه نبوده و با وجود اینکه برخی از کشورهای آن (امارات متحده عربی) بالاترین درآمد سرانه را در جهان اسلام دارند، کمبودها و کاستی‌هایی از جمله آب شرب و مواد غذایی وجود دارد که باید از خارج از منطقه وارد گردد. تفاوت های نژادی، مذهبی، زبانی و اختلافات ارضی از جمله جزایر سه گانه (تنب بزرگ و

کوچک و ابوموسی) از جمله عوامل واگرایی یا اختلاف برانگیز میان طرفین و کشورهای منطقه است که با روابط دیپلماتیک فعال و درایت می توان در آن تعدیل ایجاد نمود و حتی آنها را حل و فصل نمود.

به دلیل صادرات خام سوخت های فسیلی از یک طرف و واردات مصنوعات صنعتی از طرف دیگر به منطقه دول و ملل حوزه خلیج فارس نمی توانند ارزش واقعی تولیدات خود را دریافت کنند لذا با اعتمادسازی و ارائه خدمات فنی- مهندسی کشورهای منطقه و هم چنین مشارکت سرمایه گذاران منطقه می توان تا حدودی بر این مسئله غلبه کرد. درگیری و جنگ، عدم رعایت نکات ایمنی و حفاظت از محیط زیست در چند دهه اخیر سبب آلودگی و به خطر افتادن حیات آبی و حتی خشکی پیرامون خلیج شده است که توسعه پایدار منطقه را با اختلال مواجه می کند، لذا دول و ملل این حوضه با چالش جدی زیست محیطی مواجه است و دست کم در این مورد چاره ای جز همکاری و مشارکت عمومی ندارند. چنانچه استراتژی توسعه صنایع منطقه مبتنی بر مواد خام موجود در منطقه به گونه ای برنامه ریزی شود که با هم همپوشانی موازی و سری داشته باشند، می توانند در آینده سبب همگرایی بیشتری بین کشورهای منطقه بوده و آنها را قادر خواهد ساخت تا بر اختلافات ملی و بین المللی منطقه فایز آیند. منشأ اصلی قدرت هر ناحیه از جمله حوزه خلیج فارس، شاخص های کمی و کیفی در ساختار طبیعی، جمعیت و اقتصاد می باشد که متأسفانه این شاخص ها در حوزه خلیج فارس چندان مطلوب نیست. بنابراین چاره ای جز برنامه ریزی بر اساس پژوهش و واقعیت های منطقه به کمک خرد جمعی و کارشناسان کشورهای منطقه وجود ندارد. به کمک متخصصان و کارشناسان منطقه باید راه های مقابله و تعدیل عوامل تنش زا را فراهم کنیم تا زمینه حل و فصل عوامل اختلاف برانگیز ژئوپلیتیکی در منطقه امکان پذیر شود.

نتیجه گیری

خلیج فارس به علت موقع جغرافیایی ویژه در تمام طول تاریخ مورد توجه اقوام و ملل مختلف بوده و هست، این حوضه آبی جهان از راه های آبی و خشکی سواحل شمالی تمدن های غرب



(اروپا و شمال آفریقا) را به تمدن های شرق (هند و چین) مرتبط می ساخته که ذکر آن در سفرنامه مارکوپولو، توجه پطرکبیر تزار روسیه، ناپلئون، اسکندر مقدونی از آن جمله است. با وجود اینکه نبض صنعت جهان به کمک نفت و گاز تولیدی حوضه خلیج فارس می زند، کشورهای منطقه به علت عدم اتحاد و هماهنگی و نفوذ ابر قدرت ها نتوانسته اند از این ظرفیت به نحو احسن در راستای منافع خود بهره برداری کنند.

محیط زیست خلیج فارس به علت استخراج و انتقال نفت و گاز و واحدهای صنعتی غیر استاندارد به شدت در معرض خطر آلودگی است. بنابراین ظرفیت های محدود منابع زیستی منطقه رو به تخریب و انهدام است لذا دست کم کشورهای منطقه در این مورد چاره ای جز همکاری و برنامه ریزی اصولی ندارند.

سرمایه های عظیم منطقه حاصل از فروش نفت و گاز به سایر نقاط جهان مهاجرت می کند که چنانچه برنامه ریزی و همکاری کشورهای منطقه وجود داشته باشد می توان بخشی از آن را برای طرح های عمرانی منطقه جذب کنیم و تحولی مثبت و امیدبخش برای پیشرفت و توسعه آتی فراهم نمود.

جزایر و سواحل خلیج فارس دارای پتانسیل بسیار خوب برای توسعه صنعت گردشگری در مقیاس جهانی است که دویی و کیش نمونه آن است. بنابراین با برنامه ریزی علمی و حساب شده باید بستر و زمینه های لازم برای جذب سرمایه در این بخش فراهم شود.

چنانچه کشورهای منطقه براساس قراردادهای دو یا چند جانبه از خدمات فنی و مهندسی موجود در منطقه استفاده کنند می توانند از خروج بخشی از سرمایه ها جلوگیری و در نهایت به فعالیت ها و اقتصاد منطقه رونق بیشتری بدهند.

کشورهای منطقه به علت عدم تفاهم و اتحاد قادر به استفاده از موقعیت استراتژیک و وضعیت مطلوب ژئوپولیتیکی خود در مقیاس جهانی نیستند و چنانچه یک اتحادیه منطقه ای به وجود آورند ممکن است در آینده معادلات جهانی نقش مؤثری بازی کنند. چنانچه کشورهای حوزه خلیج فارس بتوانند در قالب یک اتحادیه در زمینه های مشترک از جمله تهدیدات زیست محیطی به توافق برسند احتمال دارد که در آینده با همکاری در زمینه های دیگر نیز روابط و

پیوندهای خود را گسترش دهند و در نهایت موفق به شکل‌گیری هویت یا نقش جدید جهانی مطابق با وزن ژئوپلیتیکی و استراتژیک خود در معادلات جهانی گردند که به نفع همه خواهد بود.

در هر صورت حوزه خلیج فارس مانند هر حوزه دیگر در بطن خود در دو جهت متضاد در حرکت است، اول این که کشورها و نواحی داخلی آن تمایل به جدایی و استقلال و ابراز هویت ویژه خود دارند، دوم اینکه در زمینه منافع مشترک بین المللی از جمله محیط زیست تمایل به وحدت و هماهنگی دارند لذا با تعدیل و عبور از زمینه های متضاد بین کشورهای منطقه و تقویت زمینه های مشترک بعید نیست که در آینده بتوان اتحادیه ای همانند اروپا بوجود آورد و در نتیجه وزن و نقش های جدید ژئوپلیتیکی را برای منطقه تعریف و حوزه نفوذ و توان منطقه را در جهان گسترش داد. سقوط دیکتاتوری توسعه طلب عراق (صدام حسین) نیز در زمینه شکل‌گیری اتحادیه‌ای با حضور تمامی کشورهای حوضه خلیج فارس گامی به جلو محسوب می‌شود که با اعتمادسازی ایران و عراق با شورای همکاری خلیج احتمال همگرایی را بیش از پیش نموده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. کشورهای عربی سواحل جنوبی خلیج فارس در اتحادیه ای تحت عنوان «شورای همکاری خلیج فارس» گرد آمده‌اند.

منابع

- الهی، همایون، *خلیج فارس و مسائل آن*، نشر قومس، تهران، صندوق پستی ۱۳۹۱، ۱۳۷۵.
- حافظ‌نیا، محمدرضا، *خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز*، انتشارات سمت، پاییز ۱۳۷۱.
- حافظ‌نیا، محمدرضا، *وضعیت ژئوپلیتیکی پنجاب در پاکستان*، انتشارات بین المللی المهدی، تهران، ۱۳۷۹.
- عالم، عبدالرحمن، *بنیادهای علم سیاست*، نشر نی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۶.
- عزتی، عزت الله، *ژئواستراتژی*، نشر سمت، چاپ اول، قم، تابستان ۱۳۷۳.
- عزتی، عزت الله، *ژئوپولیتیک*، نشر سمت، تهران، چاپ سوم، بهار ۱۳۷۷.
- علیجانی، رضا، *وفاق ملی، تاکتیک یا استراتژی*، *مجله آبان*، شماره ۱۳۸، تیرماه ۱۳۸۱.
- فرجی، عبدالرضا، *جغرافیای کشورهای مسلمان*، انتشارات آموزش و پرورش، کد ۲۹۷/۱، تهران، ۱۳۷۰.
- فولر، گراهام، *ترجمه، مخبر، عباس، قبله عالم (ژئوپلیتیک ایران)*، نشر مرکز، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۷.



- کاتوزیان، محمد علی، مترجم نفیسی و عزیزی، *اقتصاد سیاسی ایران*، تهران، ۱۳۷۹.
- گروه مؤلفان، دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، وزرات آموزش و پرورش، جغرافیای ۱ کد ۲۲۵/۲، ۱۳۷۹.
- مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب، *نقشه خلیج فارس*، تهران، ۱۵۶۱۷، صندوق پستی ۶۱۷-۱۱۳۵۶.
- مجتهدزاده، پیروز، *ایده های ژئوپولیتیک و واقعیت های ایرانی*، نشرنی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- میرحیدر (مهاجرانی)، *دره، مبانی جغرافیای سیاسی*، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۷۱.